



اشاره به عبارتی از زیارت اربعین امام حسین علیه السلام

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا قَبْرُ ابْنِ حَبِيبٍ وَ صِفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَنَّهُ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ أَكْرَمَتَهُ بِكِتَابِكَ وَ حَصَصْتَهُ وَ ائْتَمَّنْتَهُ عَلَيَّ وَ حَبِيبِكَ وَ أَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَيَّ خَلْقِكَ مِنَ الْأَصْفِيَاءِ فَأَعْذِرُ فِي الدُّعَاءِ وَ بَدَلْ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ الْجَهَالَةِ وَ الْعَمَى وَ الشُّكِّ وَ الْارْتِيَابِ إِلَى بَابِ الْهُدَى مِنَ الرَّدَى وَ أَنْتَ تَرَى وَ لَا تَرَى وَ أَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى حَتَّى تَارَ عَلَيْهِ مِنْ خَلْقِكَ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَ بَاعَ الْآخِرَةَ بِالْثَمَنِ الْأَوْكَسِ الْأَدْنَى

و جانش را در راه تو بذل کرد. تا بندگان را از گمراهی و نادانی و تاریکی و شک و شبهه نجات دهد، و به طرف هدایت و رهائی از هلاکت بکشاند

ابن قولویه. ۱۳۵۶. کامل زیارات. نجف اشرف: دارالمرتضویه.

• مروری کلی بر مباحث جلسه گذشته

○ اشاره به دو بینش جامعه اسلام نسبت به قیام امام حسین علیه السلام

○ اشاره به کلام امام سجاد علیه السلام در بیان پیروزی در قیام کربلا

▪ آیا پیروزی در تشکیل حکومت است؟

○ اشاره به بررسی همه جانبه و کامل کلام قرآن و معصوم در تبیین مفهوم اصلی و صحیح

• در تحلیلی عقلی در رابطه میان عمل و عامل

• مقام معصومین علیهم السلام در کلام قرآن

○ اشاره به مقام صالحین در آیات ۷۲ و ۷۳ سوره مبارکه انبیاء

▪ وَ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ نَافِلَةً وَ كَلَّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ * وَ جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ *

▪ و اسحاق را و افزون بر آن (نوه اش) یعقوب را به او بخشیدیم و همه را (مردمی) شایسته کردیم.

▪ و آنان را پیشوایانی کردیم که به فرمان ما راهبری می کردند و به آنها انجام کارهای نیک و برپا داشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان پرستندگان ما بودند.

○ مراد از هدایت رساندن به مقصد و مراد از "امر" امر تکوینی است

▪ این هدایتی که خداوند آن را قرار داده و از شئون امام است به معنای ارائه طریق نیست، چون خداوند این مقام امامت را بعد از نبوت قرار داده است، لذا امامت به معنای رساندن به مطلوب می باشد، یعنی نوعی تصرف تکوینی در نفوس که به وسیله آن راه را برای سوق دادن دلها به سوی کمال و انتقال دادن آنها به مقامات بالاتر، هموار می سازد.

▪ پس امامت و هدایت به امر خدا، از فیوضات معنوی و مقامات باطنی است که مؤمنان به وسیله عمل صالح به سوی آن هدایت شده و به رحمت پروردگارشان ملبس می گردند و خود امام قبل از هر کس متلبس به آن هدایت است و سایرین، هر کس به مقدار استعداد خود از آن بهره مند می شود و از همینجا معلوم می شود که امام واسطه اخذ فیوضات ظاهری و باطنی برای مردم است.

○ جایگاه وحی تکوینی و معنای آن

▪ عبارت (اوحینا الیهم فعل الخیرات....) دلالت می کند که فعل خیرات تحقق یافته، یعنی وحی متعلق به فعل از ایشان صادر شده و عمل خیرات که از ایشان صادر گردیده به واسطه وحی و دلالتی باطنی و الهی بوده که مقارن با آن صورت می گرفته و این وحی،



- غیر از وحی مشرعی است که فعل را تشریح می کند و انجام آن را بر طبق آنچه تشریح شده مترتب می سازد. چون بلافاصله بعد از آن می فرماید (و کانوا لنا عابدین) یعنی ائمه، قبل از وحی هم خدا را عبادت می کرده اند و اعمالشان مطابق وحی تشریحی بوده است. پس این وحی آنها وحی تسدید و تأیید است نه وحی تشریح.
- ماحصل کلام اینکه ائمه، مؤید به روح القدس، روح طهارت و مؤید به قوتی ربانی هستند که آنها را به انجام خیرات و اقامه نماز و دادن زکات (انفاق مالی) دعوت می کند. (خلاصه ای از تفسیر المیزان)
 - قرآن کریم و بیان مقام اخلاص و خلوص با توجه به آیه ۲۴ سوره مبارکه یوسف
 - وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَ هَمَّ بِهَا لَوْ لَا اَنْ رَّاۤی بُرْهَانَ رَبِّهٖ كَذٰلِكَ لَتَصْرِفَ عَنْهُ السُّوْءَ وَ الْفَحْشَآءَ اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِيْنَ
 - و بی گمان آن زن آهنگ وی کرد و وی نیز اگر برهان پروردگار خویش را نمی دید آهنگ او می کرد بدین گونه (بر آن بودیم) تا از او زشتی و پلیدکاری را بگردانیم که او از بندگان ناب ما بود
 - از آیه شریفه ظاهر می شود که دیدن برهان خدا، شان همه بندگان مخلص خداست، و خداوند سبحان هر سوء و فحشایی را از ایشان برمی گرداند، و در نتیجه مرتکب هیچ معصیتی نمی شوند، و به خاطر آن برهانی که خدایشان به ایشان نشان داده قصد آن را هم نمی کنند، و آن عبارت است از عصمت الهی.
 - و نیز برمی آید که این برهان یک عامل است که نتیجه اش علم و یقین است، اما نه از علم های معمول و متعارف.
 - رابطه میان مقام مصلح و مخلص در کلام قرآنی
 - اشاره به درخواست حضرت یوسف در نیل به مقام صالحین در آیه ۱۰۱ سوره مبارکه یوسف
 - رَبِّ قَدْ اَتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَ عَلَّمْتَنِي مِمَّنْ تَاُوْبِلُ الْاَحَادِيْثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ اَنْتَ وَّلِيُّ فِي الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ تَوْفِيْیْ مُسْلِمًا وَ اَخْفٰنِيْ بِالصّٰلِحِيْنَ
 - پروردگارا! به من از فرمانروایی پاره ای داده ای و از خواجگاری بخشی آموختی؛ ای آفریدگار آسمان ها و زمین! تو سرور من در این جهان و در جهان واپسینی، مرا گردن نهاده (به فرمان خویش) بمیران و به شایستگان ببیوند.
 - حضرت یوسف هم که یکی از فرستادگان و مخلصین او است در جایی که سخن از ولایت او به میان می آورد می گوید: «فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ اَنْتَ وَّلِيُّ فِي الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ» یعنی من در تحت ولایت تامه توام بدون اینکه خودم در آفرینش خود دخالتی داشته باشم و در ذات و صفات و افعال استقلال داشته یا برای خود مالک نفع و ضرر، و یا مرگ و حیات، و یا نشوری باشم.
 - بعد از آنکه یوسف (علیه السلام) در قبال رب العزّه، مستغرق در مقام ذلت گردید و به ولایت او در دنیا و آخرت شهادت داد، اینک مانند یک برده و مملوک که در تحت ولایت مالک خویش است درخواست می کند که او را آن چنان قرار دهد که ولایت او بر وی در دنیا و آخرت مقتضی آنست، و آن این است که وی را تسلیم در برابر خود کند، مادامی که در دنیا زنده است، و در آخرت در زمره صالحین قرارش دهد، زیرا کمال بنده مملوک آن است که نسبت به صاحب و پروردگارش تسلیم باشد، و مادامی که زنده است در برابر آنچه وی از او می خواهد سر تسلیم فرود آورد، و در اعمال اختیاری خود چیزی که مایه کراهت و نارضایتی او است از خود نشان ندهد و تا آنجا که می تواند در اختیار اوست خود را چنان کند که برای قرب مولایش صالح، و برای مواهب بزرگ او لایق باشد، و همین معنا باعث شد که یوسف (علیه السلام) از پروردگارش بخواهد که او را در دنیا مسلم، و در آخرت در زمره صالحان قرار دهد، هم چنان که جد بزرگوارش ابراهیم را به چنین مواهبی اختصاص داده بود.



○ اشاره به مقصود از "حکم" و الحاق به صالحین در کلام حضرت ابراهیم (علیه السلام) با توجه به آیه ۸۳ سوره مبارکه شعراء

▪ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ اَلْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ

- پروردگارا! به من حکمتی ارزانی دار و مرا به شایستگان بپیوند.
- بعد از آنکه ابراهیم (علیه السلام) نعمتهای مستمره و متوالی و متراکم خدای تعالی را نسبت به خود یاد آور شد که از روزی که خلق شده تا بی نهایت به وی ارزانی داشت و با ذکر این نعمت‌ها و تصور لطف و مرحمت الهی حالتی به او دست داد، آمیخته از جاذبه رحمت و فقر عبودیت و این حالت، او را واداشت تا به درگاه خدا اظهار حاجت نموده، باب سؤال را مفتوح دارد، ناگزیر سیاق سخن خود را که تا اینجا سیاق غیبت بود (و می فرمود: رب العالمین کسی است که مرا خلق کرده و هدایت می کند ...) به سیاق خطاب برگرداند و روی سخن به خدای تعالی نموده، عرض حاجت کند.
- پس در جمله «رب- پروردگار من» کلمه «رب» را به ضمیر «یاء» یعنی به خودش نسبت داد، بعد از آنکه در چند جمله رب را به عنوان رب العالمین ستود و این بدان جهت بود که خواست رحمت الهی را بر انگیخته و عنایت ربانی را برای اجابت دعا و در خواستش به هیجان در آورد.

▪ بنابراین مقام "صلوح" عالیترا از مقام "خلوص" است که حضرت خلیل الحاق خود را به واجدین آن از خدای خود تمنا نمود. خداوند این دعای حضرت ابراهیم را در دنیا اجابت ننمود بلکه تحقق آن را در آخرت وعده فرمود:

• وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَ اَنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ

○ (سوره بقره آیه ۱۲۰، و همانا حقا او را در دنیا برگزیدیم، و او در آخرت تحقیقا از صالحان است)

○ مقام ایمان و صالحین در دنیا و آخرت با توجه به آیه ۹ سوره مبارکه عنکبوت

▪ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ

• و آنان را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند بی‌گمان در زمره شایستگان درمی‌آوریم.

• اقسام صلوح در کلام عرفان و قرآن

○ تقسیم بندی مقام صلوح به دو قسمت صلوح ذاتی و صلوح فعلی

▪ باید دانست که این مرتبه از صلاح که انبیای سلف آرزوی آن را داشتند غیر از صلاحی است که به نص آیه کریمه به آن حضرت و اولاد آن حضرت داده شده است

• وَ وَهَبْنَا لَهُ اسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ نَافِلَةً وَ كَلَّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ (آیه ۷۲، از سوره انبیاء)

○ و ما اسحق و یعقوب را به او بخشیدیم از روی تفضل و زیادی رحمت، و همه را صالح و شایسته قرار دادیم

• چه این صلاح را همه آنها دارا بودند و از جمله خود حضرت ابراهیم دارا بود و در عین حال تقاضای صلاح دارد. پس این صلاح بسیار عالی‌تر و بالاتر است.

○ مقام صالحین و چهارده معصوم علیهم السلام

▪ دلیل بر آنکه حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و عده‌ای در زمان آن حضرت به درجه همین صلوح رسیده‌اند آیه کریمه قرآن از قول حضرت رسول ناطق است که:



- **اِنَّ وَلِيَّ اللّٰهِ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصّٰلِحِيْنَ** (آیه ۱۹۶ از سوره مبارکه اعراف)
- همانا ولی و صاحب اختیار من خدائی است که کتاب را نازل ساخته و او ولایت و صاحب اختیاری امور صالحان را دارد
- بدرستی که سرپرست من خداوندیست که کتاب را نازل کرده و او شایستگان را سرپرستی می کند، پیامبر(ص) می فرماید: همانا سرپرست و مدبر امر من خداست که قرآن را برای هدایت مردم نازل فرمود و سرپرست صالحان است، یعنی متولی امور شایستگان از بندگانش می باشد و وعده کرده که آنها را یاری نموده و آنها را وارثان زمین قرار دهد، (ان الارض یرثها عبادی الصالحون)، تفسیر المیزان
- آن حضرت در این آیه اثبات ولایت مطلقه حضرت احدیت را برای خود نموده سپس می فرماید که ولی من آن کسی است که تولى امور صالحین را می نماید، پس معلوم می شود که در آن زمان افرادی از مخلصین به مقام صلوح می زیسته اند و پروردگار متولی امور ایشان بوده است. بنابر آنچه ذکر شد معلوم می شود که سرّ دعای انبیاء سلف و توسّل آنها به خمسه آل طهارت یا به ائمه طاهرین چه بوده و علو رتبت مقام صلوح در آنان تا چه سرحدی است که مانند حضرت ابراهیم پیغمبری لحوق خود را به آنها از خدا می خواهد.
- عدم پذیرش مقام ولایت الهی عامل جهالت با توجه به آیه ۱۹۹ سوره مبارک اعراف
- **خُذِ الْعَفْوَ وَاْمُرْ بِالْعُرْفِ وَاَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِيْنَ**
- گذشت را در پیش گیر و به نیکی فرمان ده و از نادانان روی بگردان!
- جهل و جهالت از منظر قرآن، جهل در مقابل عقل است نه علم
 - دین و زدودن جهل با عقل نظری با کمک کتاب و عترت الهی
 - جهل در تضاد با عقل عملی
- مفهوم جهل در آیات و روایات در مقابل عقل است، به این معنا که جاهل کسی است که در مقام اندیشه و یا عمل، غیر واقع را به جای واقع نشانده و بر اساس آن زندگی می کند و اما عاقل به فردی اطلاق می شود که در دو جنبه اندیشه و عمل واقع را درک کرده و حرکت های ارادی اش بر واقعیت و حقیقت استوار است.
- جهل تکیه بر غیر واقعیت است و در واقع وابستگی اندیشه ای و عملی به چیزی که وجود عینی و خارجی ندارد، وجودی که برایش ملاحظه می شود، وجود فرضی است. وجودی که رذایل و پستیها بر آن بنا شده است.